

نوشته : شهرام جاویدپور
آزادی دین و جدائی دین از حکومت
در تاریخ ایران

پس از ۲۴ سال تبهکاری و ناپکاری که به نام دین در ایران انجام گرفت ، اینک آزادیخواهان ایرانی با هر گونه اندیشه و گرایشی ، به این باور رسیده اند که با چیرگی دین بر امور جامعه ، رسیدن به آزادی شدنی نیست و بازده دخالت دین در امور کشور چیزی جز آنچه حکومت دینی جمهوری اسلامی در این ۲۴ سال در ایران به جای گذاشته است ، نخواهد بود. و بر پایه دریافتن این حقیقت است که می بینیم امروز اصولی چون آزادی دین ، جدائی دین از حکومت ، از میان برداشتن دین رسمی در کشور و همانند آنها ، از سوی بسیاری از ایرانیان آزاده با پیشواز و پشتیبانی روبرو میگردد و از سوی آنان به نام یک (خواست ملی) برای استواری مردم سالاری در ایران آینده پیش کشیده میشود.

ایرانیان امروز دریافته اند که آزادی دین در احترام به همه ادیان و برابری آنها با یکدیگر است و خواه ناخواه این احترام و برابری نمیتواند با وجود دین ویژه ای که خود را برتر و بالاتر از دیگران میداند ، به دست آید. آزادی دین و آئین در واقع آزادی باور انسانها و پایه و اساس آزادی اندیشه و بیان آزاد آنست . و در پناه این آزادی است که اندیشه بارور میشود و دانش و فرزاندگی پدیدار میگردد و زمینه های خیزش و پیشرفت اجتماع را فراهم میسازد.

اگر جهان غرب پس از گذار از عصر روشنگری ، پای به شاهراه پیشرفت گذاشت و تمدن شگرف دنیای پیشرفته امروز را پدید آورد ، در پرتو این آزادی ، و آسودگی از چیرگی دین و دست اندازی دین داران ، در اداره امور کشور بود.

و اگر ایران سربلند ما ، پس از برپائی انقلاب دینی سال ۵۷ پای به بیراهه واپسگرایی گذاشت و فاجعه امروز ایران بوجود آمد ، در سایه شوم حکومتی بود که دستاورد آن انقلاب به شمار میرود و به نام یک دین برتر در سرزمین ما فرمانروائی مینماید.

آنانی که در سال ۵۷ به نام روشنفکران و اندیشمندان جامعه ، توده مردم را به سوی یک انقلاب دینی کشاندند و رهبر واپسگرایی این شورش ویرانگر را به ایرانیان نمودار آزادی و آزادیخواهی جلوه دادند . بی گمان اگر دانسته در پی نابودی ایران نبودند ، نه تنها از بن مایه و بنیاد پیشرفت جهان غرب آگاهی نداشتند بلکه از تاریخ کشور خود نیز بیگانه بودند.

بررسی های تاریخی گویای اینست که آریائیهها در امور دینی نرم رفتار و از کورباوریهای مذهبی به دور بودند و این ویژگی را پس از بنیانگذاری دولت هخامنشی همچنان حفظ کردند و بر پایه این جهان بینی بود که در دوران هخامنشی و به ویژه در زمان کورش بزرگ و داریوش بزرگ ، آزادی دین و احترام به همه ادیان به عنوان یک (اصل) در شاهنشاهی ایران برقرار گردید. در دوران هخامنشی با اینکه

پادشاهان ایران و بیشتر ایرانیان زرتشتی بودند ولی دین رسمی درکشور وجود نداشت و شاهان هخامنشی نه تنها مردم را به باورهای خود وامیگذاشتند بلکه در برگزاری آئین های مذهبی آنها نیز شرکت می جستند و به باورهای آنان احترام می گذاشتند. ستایش کورش بزرگ از (مردوک) خدای بزرگ مردم بابل و برگزاری آئین مردم مصر در معبد بزرگ (سائیس) به اراده داریوش بزرگ ، نمونه های گویائی ، از برخورد پادشاهان هخامنشی با دارندگان ادیان گوناگون است. در دوران داریوش بزرگ ، ایران با ۳۰ ایالت ، بزرگترین و تواناترین کشور جهان بود و در این کشور پهنای ۴۶ گونه مردم از تیره های گوناگون و با مذاهب و زبانها و آداب و رسوم متفاوت زندگی میکردند و خویشان را شهروندان شاهنشاهی بزرگ ایران میدانستند. آزادی دین و آئین و احترام به باورها و اندیشه های تیره های گوناگون مردم ، بدون تردید در پیشرفت و گسترش این دولت پرشکوه در جهان آنروز نقشی بنیادین داشت و عامل مهمی در پیوند و همبستگی میان مردمان آن سرزمین بود. آزادی دین و جدائی آن از حکومت که پایه های پیشرفت جهان متمدن امروز بر آن بنا گردیده است ، چکیده تجربیات گرانبهائی میباشد که بشریت در درازای زندگی اجتماعی خویش به دست آورده و آنرا از بوته آزمایش تاریخ گذارنده است و ایران و ایرانیان از پیشگامان این آزمون تاریخی بشمار میروند.

یورش مغولان به ایران و فرمانروائی ۱۴۰ ساله آنان بر ایران زمین از ناگوارترین رویدادهای تاریخی این سرزمین است . مغولها در بخارا و سمرقند و مرو و نیشابور و دیگر شهرهای ایران ، دست به کشتار و ویرانی و چپاول زدند. بسیاری از شهرهای ایرانی را با خاک یکسان کردند و شمار زیادی از ایرانیان را از دم تیغ خود گذراندند. ولی به گواهی تاریخ و در پی این همه تبهکاری ، ایرانیان در دوران هراسناک چیرگی مغول بر ایران ، از جهت علم و حکمت و نجوم و ادبیات پیشرفتهای شگرفی نمودند و از این بابت یکی از درخشان ترین دوران تاریخ کشور خود را پدید آوردند. شمار بسیاری از بزرگترین شعرا و نویسندگان و حکما و مورخین نامدار ایران ، آثار جاودانی و بجای ماندنی خود را در دوران مغول آفریدند و به ایران و جهان پیشکش کردند.

مولانا ، سعدی ، فریدالدین عطار ، شهاب الدین سهروردی ، عطاملک جوینی ، منهاج سراج جوزجانی ، زکریای قزوینی ، قطب الدین محمود شیرازی ، همام تبریزی ، امیر خسرو دهلوی ، اوحدی مراغه ای اصفهانی ، امامی هروی و دهها تن دیگر ، از بزرگان علم و ادب این دوره میباشند.

بدون تردید ، یکی از دلایل شکوفائی علمی و ادبی ایران در دوران مغول ، دور بودن فاتحین ایران از تعصبات مذهبی و آزادی ایرانیان اندیشمند از قید و بندهای دینی بود. چنگیز خان مغول چون هیچ دینی را باور نداشت ، از کورباوری های مذهبی و برتری جوئیهای دینی به کلی به دور بود. در دوران جانشینان چنگیز ، برتری دینی

که قرن ها پس از یورش مسلمانان عرب بر ایرانیان تحمیل گردیده بود، از میان رفت و در سایه آزادی دین بود که اندیشمندان ایرانی امکان یافتند در یکی از تاریکترین دوران تاریخ کشور خود، مشعل علم و ادب ایران را فروزان تر از همیشه بیافروزند. در دوران هلاکو خان، بنیانگذار سلسله پادشاهان مغول در ایران، با فتح بغداد و الموت، حکومت‌های دینی عباسیان پس از ۵ قرن و اسماعیلیان پس از یک قرن و نیم واژگون گردیدند و مسیحیان و زرتشیان و یهودیان و بوداییان و ... ایرانی که از چیرگی مسلمانان عرب بر سرزمین خود ستم‌ها دیده بودند، فرصت یافتند بدون هراس در نیایشگاه‌های خویش، خدای خود را آنگونه که می‌خواهند ستایش کنند. در سال ۱۲۹۴ میلادی پس از گذشت ۷۵ سال از حمله مغول به ایران، با پذیرفتن اسلام از سوی غازان خان پادشاه مغولی ایران، برتری جوئی دینی بار دیگر در ایران برپا شد و ویران کردن عبادتگاه‌های غیر مسلمانان ایرانی و جور و ستم به آنان دوباره در این سرزمین برقرار گردید و در سایه حکومت وحشت مسلمانان مغول درخت سرسبز و بارور علم و ادب ایران به دور از تابش خورشید جان بخش آزاد اندیشی به زردی و خشکی گرائید.

سیر نزولی دانش و ادب در ایران با حکومت اسلامی غازان خان آغاز شد و در دوران تیموریان ادامه یافت و در زمان صفویه به اوج ضعف و پستی خود رسید. حکومت دینی و آخوند پرور صفوی کار سخت‌گیری‌های مذهبی را به آنجا رساند که تقریباً همه دانشمندان و اندیشمندان ایرانی ناچار به ترک میهن شدند و بیشتر به هند رفتند و آخوند‌ها و دعا نویس‌ها و رمال‌ها جانشین آنان گردیدند. و این در حالی بود که دوران بیداری و جنبش بزرگ فرهنگی رنسانس در اروپا آغاز گردیده بود.

بررسی پایه‌های پیشرفت جهان متمدن غرب، کاوش در رویدادهای تاریخی ایران از دوران باستان تاکنون، پژوهش در نتایج دین‌سالاری و دین‌ستیزی از یک سو و آزادی دین و آئین از سوی دیگر و نگاه به کارنامه حکومت دینی جمهوری اسلامی در ایران، تجربیات تاریخی گرانبھائی است که بر درستی (خواست ملی) آزادیخواهان ایرانی یعنی آزادی دین - جدائی دین از حکومت و از میان برداشتن دین رسمی در ایران آینده، مهر تائید می‌زند و به آن اعتبار می‌بخشد. و این (خواست ملی) تنها با سرنگونی و نابودی حکومت دین‌سالار جمهوری اسلامی در ایران امکان پذیر می‌باشد.

منابع:

ایران باستانی - حسن پیرنیا (مشیرالدوله)

تاریخ ایران، از آغاز تا انقراض قاجاریه - حسن پیرنیا و عباس اقبال

تولد دیگر - ایران کهن در هزاره ای نو - دکتر شجاع‌الدین شفا